



بِه نام خ داو ن د ب خ ش ن ده مه ر ی ان



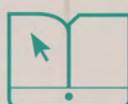
[WWW.EC.NAHAD.IR](http://WWW.EC.NAHAD.IR)



# روایت یک انحراف

(فصل سوم آفتاب در مصاف)

آفتاب در مصاف



## جلسه پنجم | انگیزه و هدف راستین امام حسین(ع) در قیام تاریخ ساز عاشورا بخش دوم

### بحث دوم. تبیین و تحلیل هدف امام حسین(ع) در قیام عاشورا

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزش‌های اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند. لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد بن حنفیه - و در واقع در پیام به تاریخ - چنین گفت: «إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسَدًا وَلَا ظَالِمًا»؛ من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه قدرت بودن قیام نکردم. «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»؛ من می‌بینم که اوضاع در میان امت پیامبر دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است، حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضد جهتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آورده بود. قیام کردم برای این که با این‌ها مبارزه کنم.

اگر بخواهیم هدف امام حسین علیه السلام را بیان کنیم، باید این‌طور بگوییم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که آن واجب عظیم را هیچ کس قبل از امام حسین علیه السلام - حتی خود پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم - انجام نداده بود. نه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم این واجب را انجام داده بود، نه امیر المؤمنین علیه السلام، نه امام حسن مجتبی علیه السلام. واجبی بود که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و عملی اسلام، جای مهمی دارد. با وجود این که این واجب، خیلی مهم و بسیار اساسی است، تا زمان امام حسین علیه السلام، به این واجب عمل نشده بود. [...] امام حسین علیه السلام باید این واجب را عمل می‌کرد تا درسی برای همه تاریخ باشد. مثل این که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم حکومت تشکیل داد؛ تشکیل حکومتی درسی برای همه تاریخ اسلام شد و فقط حکمش را نیاورد. یا پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم، جهاد فی سبیل الله کرد و این درسی برای همه تاریخ مسلمین و تاریخ بشر - تا ابد - شد. این واجب هم باید به وسیله امام حسین علیه السلام انجام می‌گرفت تا درسی عملی برای مسلمانان و برای طول تاریخ باشد. [...] پس هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوض شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسان، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است.

آن حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي كَانَ لَمْ يَكُنْ مَنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ»؛ پروردگارا! این حرکتی که ما کردیم، این قیامی که ما کردیم، این تصمیمی که



بر این اقدام گرفتیم، تو میدانی که برای قدرت طلبی نبود. قدرت طلبی برای یک انسان نمی تواند هدف واقع شود. نخواستیم زمام قدرت را در دست گیریم. برای منال دنیوی هم نبود که چرب و شیرین زندگی را به کام خودمان برسانیم و شکمی از عزا درآوریم؛ مال و ذخیره های درست کنیم و ثروتی به هم بزنیم. برای این ها نبود. پس برای چه بود؟

### اصلاح و ویشه کن نمودن فساد

امام حسین علیه السلام هدف اول خود را این قرار می دهد: «لِنَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ»؛ در میان کشور اسلامی، فساد را ریشه کن کنیم و اصلاح به وجود آوریم. اصلاح یعنی چه؟ یعنی نابود کردن فساد. فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است، خیانت فساد است، وابستگی فساد است، زورگویی فساد است، انحراف های اخلاقی فساد است، انحراف های مالی فساد است، دشمنی های بین خودی ها فساد است، گرایش به دشمنان دین فساد است، علاقه نشان دادن به چیزهای ضد دینی فساد است. همه چیز در سایه دین به وجود می آید.

### امنیت یافتن ستم دیدگان

در جملات بعدی می فرماید: «و يَأْمُنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ»؛ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. منظور، مظلومان جامعه است، نه ستمگران، نه ستم پیشگان، نه مداحان ستم، نه عمله ستم! «مظلومون»، مردمانی هستند که دست و پای ندارند، راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف جامعه و انسان های ضعیف - در هر سطحی و در هر جایی - امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی؛ همین که امروز در دنیا نیست. امام حسین علیه السلام درست نقطه مقابل آن چیزی را می خواست که در زمان سلطه طواغیت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می کنید، می بینید همین است؛ پرچم های دین را وارونه می کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلوم تر می کنند و ستمگران، پنجه شان به خون مظلومان بیشتر فرو می رود. [...] هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلابی، هدف از هر قدرت اسلامی و اصلا هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی است.

### عمل به احکام و سنت های الهی

امام حسین علیه السلام در آخر می فرماید: «و يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ أَحْكَامِكَ وَ سُنَنِكَ». هدف آن بزرگوار این هاست. [...] این کلام امام حسین علیه السلام است: «و يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ أَحْكَامِكَ وَ سُنَنِكَ»، یعنی امام حسین علیه السلام جان خودش و جان پاکیزه ترین انسان های زمان خودش را فدا می کند، برای این که مردم به احکام دین عمل کنند. چرا؟ چون سعادت، در عمل به احکام دین است؛ چون عدالت، در عمل به احکام دین است؛ چون آزادی و آزادی انسان، در عمل به احکام دین است. از کجا می خواهند آزادی را پیدا کنند؟ زیر چتر احکام دین است که همه خواسته های انسان ها برآورده می شود. انسان امروز، با انسان هزار سال قبل، با انسان ده هزار سال قبل، از لحاظ نیازهای اصلی هیچ تفاوتی نکرده است. نیازهای اصلی انسان این است که: امنیت می خواهد، آزادی می خواهد،

معرفت می‌خواهد، زندگی راحت می‌خواهد، از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است. نیازهای متبادر زمانی، چیزهایی است که در چارچوب این‌ها و زیر سایه این‌ها ممکن است تامین شود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تامین می‌شود و لاغیر.

### بحث سوم. قیام عاشورا در امتداد نهضت انبیای الهی

بشر در طول تاریخ، بیشترین خطا و گنهکاری و بی‌تقوایی خود را در عرصه حکومت‌داری نشان داده است. گناهایی که از سوی حاکمان و زمامداران و مسلمان بر سرنوشت مردم سر زده است، با گناهان بسیار بزرگ افراد معمولی و عادی قابل مقایسه نیست. در این عرصه، بشر کمتر از خرد و اخلاق و حکمت بهره برده است. در این عرصه، منطق خیلی کمتر از عرصه‌های دیگر زندگی بشری حاکم بوده است. کسانی که خسارت این بی‌خردی و بی‌منطقی و فساد و گناه‌آلودگی را پرداخته‌اند، آحاد افراد بشر - گاهی مردم یک جامعه و گاهی مردم جوامع متعدد - بودند. این حکومت‌ها در آغاز به شکل استبداد فردی بودند؛ بعد با تحول جوامع بشری، به صورت استبداد جمعی و سازمان‌یافته درآمدند.

لذا مهم‌ترین کار انبیای عظام الهی مقابله با طواغیت و کسانی است که نعمت‌های خدا را ضایع کردند: «و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ». آیه قرآن، از این حکومت‌های فاسد، با این تعبیرات تکان‌دهنده یاد میکند؛ سعی کردند تا فساد را جهانگیر کنند. «أَلَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَبَسَّ الْقَرَارَ»؛ نعمت‌های الهی و انسانی و طبیعی را به کفران تبدیل کردند و انسان‌ها را که باید از این نعم برخوردار می‌شدند، در جهنم سوزانی که از کفران خود به وجود آوردند، سوزاندند و کباب کردند. انبیاء در مقابل این‌ها صف‌آرایی کردند. اگر انبیاء با طواغیت عالم و طغیانگران تاریخ برخورد نداشتند، احتیاج به جنگ و جدل نبود. این که قرآن می‌گوید: «وَ كَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ»؛ چه بسیار پیامبرانی که همراه با مؤمنان خداپرست، به قتال و جنگ دست زدند. این جنگ با چه کسانی بود؟ طرف جنگ انبیاء، همین حکومت‌های فاسد، قدرت‌های ویران‌گر و طغیان‌گر تاریخ بودند که بشریت را بدبخت و نابود کردند.

انبیاء نجات‌دهندگان انسان‌اند؛ لذا در قرآن، یک هدف بزرگ نبوت‌ها و رسالت‌ها، اقامه عدل معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». اصلاً انزال کتاب‌های الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان برخیزد. حرکت امام حسین علیه‌السلام، چنین حرکتی بود. فرمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي». همچنین فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ أَوْ تَارِكًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ»؛ یعنی اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی‌تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم‌سرنوشت است. فرمود: من برای



گردنکشی و تفرعن حرکت نکردم. دعوت مردم عراق از امام حسین علیه السلام برای این بود که برود و حکومت کند؛ امام هم به همین دعوت پاسخ دادند.

یعنی چنین نیست که امام حسین علیه السلام به فکر حکومت نبود، امام حسین علیه السلام به فکر سرکوب کردن قدرت‌های طاغوتی بود؛ چه با گرفتن حکومت و چه با شهادت و دادن خون. امام حسین علیه السلام می‌دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد. وقتی قدرتی همه امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می‌گیرد و جلو می‌رود، اگر مردان و داعیه‌داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده‌اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می‌رسد، بدون این که خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آقازادگان بنی‌هاشم و فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین علیه السلام این را بر نمی‌تافت؛ لذا قیام کرد.

آن حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمُ أَنَّ الَّذِي كَانَ مِنَّا لَمْ يَكُنْ مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا إِيْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ»؛ پروردگارا! این حرکتی که ما کردیم، این قیامی که ما کردیم، این تصمیمی که بر این اقدام گرفتیم، تو می‌دانی که برای قدرت‌طلبی نبود. قدرت‌طلبی برای یک انسان نمی‌تواند هدف واقع شود. نخواستیم زمام قدرت را در دست بگیریم. برای منال دنیوی هم نبود که چرب و شیرین زندگی را به کام خودمان برسانیم و شکمی از عزا درآوریم؛ مال و ذخیره‌ای درست کنیم و ثروتی به هم بزنیم. برای این‌ها نبود. پس برای چه بود؟! ایشان چند جمله فرموده است که خط و جهت ما را ترسیم می‌کند. در همه ادوار تبلیغ اسلام، این‌ها جهت است. «و لَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ»؛ پرچم‌های دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخص‌ها را به چشم آن‌ها بیاوریم. شاخص‌ها مهم است. همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می‌کند و راه را عوضی نشان می‌دهد. اگر بتواند بگوید «دین را کنار بگذار»، این کار را می‌کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می‌کند که نشانه‌های دین را عوضی بگذارد؛ مثل این که شما در جاده‌ای حرکت می‌کنید، ببینید آن سنگ نشان - آن نشانه راهنما - طرفی را نشان می‌دهد، در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است.

پس می‌توانیم این‌طور جمع‌بندی کنیم، بگوییم: امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه حکومت می‌رسد؛ امام حسین علیه السلام برای این آماده بود. گاهی هم به نتیجه شهادت می‌رسد؛ برای این هم آماده بود